

# آهنگ سید

سال ششم

شماره دوازدهم و سیزدهم



# آهنگ بدیع

نشریه جوانان بهائی طهران

مقالات بتصویب لجنه ملی نشریات امری میسر شد

هر ماه بهائی یک شماره منتشر میشود

وجه اشتراك سالیانه

برای طهران ۱۶۰ ریال

برای ولایات ۱۴۰ ریال

\*\*\*\*\*

سال نشر

شهرالقول وشهرالمسائل ۱۰۸

شماره دوازدهم وسیزدهم

\*\*\*\*\*

## فهرست مندرجات :

۲۲۲	صفحه	۱ - لوح مبارك حضرت عبدالبهاء جل ثنائه
۲۲۳	"	۲ - اتلوا آیات الله فی كل صباح ومساء
۲۲۵	"	۳ - آلام متزایده يك محفل روحانی
۲۳۲	"	۴ - خطابات قلم اعلى
۲۳۴	"	۵ - شرح حیات جناب آقا میرزین العابدین جاسینی
۲۳۵	"	۶ - شعر " محبت "
۲۳۶	"	۷ - علامت وحدت
۲۳۹	"	۸ - نفس اماره
۲۴۲	"	۹ - بعضی از تعالیم بدیع دیانت بهائی
۲۴۵	"	۱۰ - موطن مقدس
۲۴۹	"	۱۱ - شرح مختصری از مدرسه زمستانه آلمان
۲۵۰	"	۱۲ - آهنگ بدیع وخوانندگان

شرح عکس روی جلد - بیت مبارك حضرت عبدالبهاء در عکا

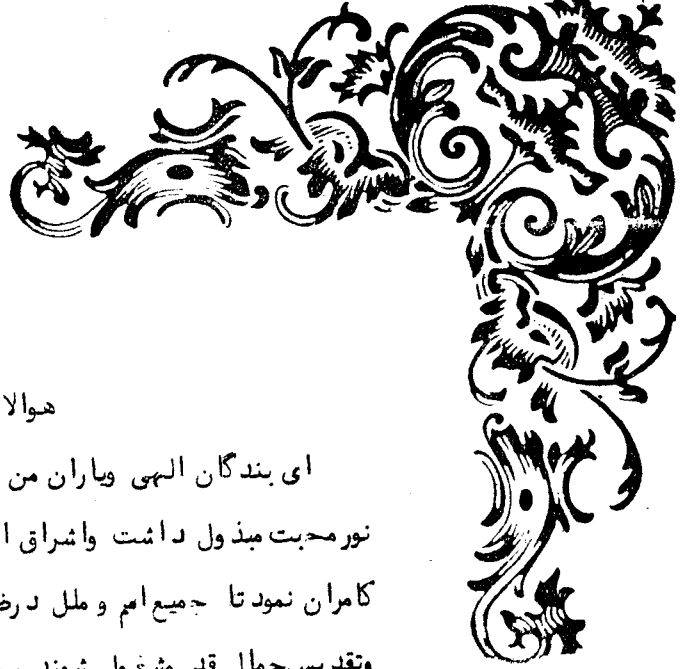
\*\*\*\*\*

آزرد - دیماه ۱۳۳۰

شماره مسلسل ۱۰۷ - ۱۰۸

\*\*\*\*\*

پدرس مکاتبات هیئت تحریریه - طهران - شرکت سپاهی تونسالان - ایرج متحدین  
هیئت اداری -  
مراجعات - حظیرة القدس ملی - دفتر مجله آهنگ بدیع



### هو الابهی الابهی

ای بندگان الهی و یاران من . صبح هدی چون از فیوضات بهما . پرتو بر آفاق انداخت  
نور محبت مبذول داشت و اشراق الفت فرمود حقایق متنوعه مختلفه متضاده را بفیض واحد  
کامران نمود تا جمیع امم و ملل در ظل خیمه یکرنگ داخل گردند و یک اهنگ بتهلیل  
و تقدیس جمال قدم مشغول شوند . خطوط شعاعیه منتهه از مرکز بمحیط دایره هر چند  
متعددند ولی چون از مرکز واحد ساطع است لهذا آن خطوط در نقطه واحد جمیع  
و بمركز واحد وابسته اند و اگر چنانچه نفوس چون خطوط شعاعی توجه بمركز اصلی داشته  
باشند وحدت اندر وحدت است و اگر چنانچه آن خطوط شعاعی از محیط تجاوز کنند  
لابد تفرقه حاصل شود . و آن مرکز مبدأ فیض است و محیط دایره و آن دایره تعالیم الهیه  
است . تا از تعالیم الهیه تجاوز نشود انشقاق حاصل نگردد . پس ای دوستان مهربانان  
بآن مرکز قدیم و جمال مبین آفتاب انور ملکوت غیب توجه نمائید و چون خطوط شعاعی از آن مرکز  
قدسی ساطع شوید و از محیط دایره دایره تجاوز ننمائید تا جوهر توحید شوید و حقیقت  
تفرید . شمع روشن ملکوت گردید و آیات باهره سلطان جبروت نجوم افق احدیت گردید و طیسور  
حدائق رحمانیه . الحمد لله بفضل جمال قدم تاجی از جواهر موهبت بر سر دارید و سراجی  
از پرتو عنایت در سر . ردائی از سندس فردوس در بردارید و سیفی از براهین الهیه و دلائل  
سبحانیه در کمر در بحر الطاف مستغرقید و از نور احسان مستشرق . کلمات کتاب بمینید و  
حروف صحف علیین . آیات صریحه رب الایاتید . و صحائف بدیعہ صاحب بینات قد رایسن  
موهبت را بدانید و شب و روز در اتحاد و اتفاق و الفت کوشید نهایت احترام را از یکدیگر  
بدا رید و غایت رعایت را بهم منظور نمائید خادم یکدیگر باشید و هادم بنیان انشقاق  
و شر . . . . . و الیها علیکم ع ع

\*\*\*\*\*

اتلوا آیات الله فی کل صباح ومساء

\*\*\*\*\* ( علی اکبر فروتن ) \*\*\*\*\*

در کتاب مستطاب " اقدس " که ام الکتاب و ناسخ کل کتب و صحف است این آیه مبارکه نازل قوله تقدست اقواله :

" اتلوا آیات الله فی کل صباح ومساء ان الذی لم یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه و الذی اعرض عنها الیوم انه ممن اعرض عن الله فی ازل الازال . . . "

مضمون بیانات مبارکه مقدسه بفارسی چنین است: آیات الهی را در هر صبح و شام تلاوت کنید کسیکه تلاوت ننماید بعهد و میثاق الهی وفا نکرده و هر کس امروز از آیات حق اعراض کند او از کسانست که همیشه از خدا اعراض نموده است .

اگر همین یک حکم محکم که از قلم معجز شمیم جمال قدیم اسام اعظم جل جلاله و عز کبریائه نازل و جاری شده کمابینغنی و یلیق در جامعه بهائی بموقع عمل و اجرا گذاشته شود و هر فرد بهائی ارزوی خلوص نیست و حسن طوبت و یاقی قلب و توجه شدید بآن عامل گردد دیری نذرد که اساس عرفان و ایقان در قلوب و ارواح نفوس محکم و متین شود و اخلاق کل تهذیب و ادب و آداب - جمیع تعدیل گردد و آثار انحرافات گوناگون بالمیزه زائل شود و علم فضائل عالم انسان در عالم موع زنده و هر یک از اهل بها مصداق این بیان مبارک حضرت

عبد البها جل شانہ گرد که میفرمایند قوله العزیز: " بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی " زیرا :

اولا - آیات الهی و آثار نازل از سما مشیت حضرت نامتناهی غذای روح و فواید عباد است و همانطور که جسم بخوراک محتاج روح نیز ب غذا نیازمند است و شاهد مقال بیانات عدیده کثیره است که در اینخصوص از قلم اعلی و کلک اطهر حضرت عبد البها ویراعیسه مقدسه حضرت ولی امر الله نازل و صادر شد و من جمله این بیان مبارک است که از سما مشیت جمال اقدس ابهی عز نزول یافته قوله الاعلی :

" همچنانکه غذا از برای اجساد لازم است همین قسم از برای ارواح و اجزای روح مائده منیسه لطیفه طویه است که از سما عنایت الهی نازل شده اگر غذای روح بآن نرسد البته ضعیف شود . . . "

حضرت عبد البها میفرمایند قوله عزذکره : " هر روز صبح فرض و واجب است الواح و مناجات خوانده شود آیات غذای روح است روح قوی میشود و بدون آن از کار میافتد "

در لوح مقدس مبارک که بافتخارا حبابی میلان از قلم اعلی نازل شده من جمله چنین میفرمایند قوله الاحلی :

”... باید کل هریم از رحیق بیان مقصود عالیمان  
بیاشامند و این رحیق در مقامی آیات حق جل جلاله  
بوده ...“

ثانیا - آیات الهی عیقل قلب و روح است که -  
بوسیله آن آئینه روح و روان انسان از زنگار و اوساخ  
عالم خاک پاک میشود و تئلا و تصفا مییابد چنانکه سه  
در کلمات مقدسه مکتوبه این بیانات متعالیه نازل قولسه  
الاعلی :

”قلب را بصیقل روح پاک کن و آهنگ ساحست  
لیولاک نما“

ثالثا - آیات الهی طبیب جمیع امراض روحی  
و معنوی است و شفا دهند تمام دردهای باطنی  
یخوله تعالی و تقدس :

”... طبیب جمیع غلتهای توذکر من است فراموش  
نما“

وقتی شخص بهائی بموجب دستورهای مقدس مبارک  
فوق عمل نماید و هر صبح و شام آیات الهی را تلاوت  
کند همواره متذکر و متنبه گردد و خویش را از آنچه لائق  
نیست حفظ و حراست نماید و بالعکس اگر انس نفوس از  
آثار منیعه مقدسه و آیات مبارکه قطع شود بحفـرات  
غفلت سقوط کند و دروادی عصیان و طغیان حیـران  
و سرگردان بماند انس با آیات و الواح الهی در مثل  
مانند اتصال سیم بمخزن و منبع برق است همچنانکه  
اگر در عمارتی صد ها چراغ موجود و سیم کشی آن نیز  
کامل باشد ولی شاه سیم بمخزن برق وصل نباشد

و یا فیوز سوخته باشد تمام آن چراغها خاموش ماند  
و اثری از نور ظاهر نشود بهمین قیاس ممکن است -  
انسان جسم و روح سالم و از هر جهت قابل و مستعد  
ترقیات معنویه باشد ولی هرگاه از مواهب الواح  
و آثار مبارکه غفلت کند هرگز ملک تنش را بنوارش  
حقیقت منور نگردد و ظلمت غفلت رفیع شود و قدم در میدان  
ترقی و تعالی حقیقی ننهد .

چونان عزیز بپیش از دیگران باید در اجرای این  
امر مبارک سعی و جاهد باشند زیرا انسان در درجه -  
جوانی بیشتر از زمان کهولت و ناتوانی بتذکر و تلقین  
نیازمند است و نفس اماره بالسوء در موقع شباب سرکشتر  
و طغیانش شدیدتر است و چون اگر از ذکر یزدان غافل  
شود بکمال اسانی در دره هولناک مشتبهات نفسانی  
سقوط کند و چنان افتد که هرگز بر نخیزد .

بایان این مقاله به بیانات مقدسه مبارکه مولای  
توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه ختم میشود لیکن  
خاتمه مسک قوله الاحلی :

”باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبیه و دعا و مناجات را  
فراموش نغمود چه بد و نفضل و عنایت الهیه موفقیت  
و ترقی و پیشرفت در امور مشکل بل ممتنع و محال“ انتهی

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*

\*\*\*\*\*

آلام مزایده يك محفل روحانیسی

\*\*\*\*\* ( بقلم : سرکار روحیه خانم حرم مبارک ) \*\*\*\*\* ( ترجمه : هوشمند فتح اعظم )

این نمایشنامه که از قلم سرکار روحیه خانم حرم مبارک صادر شده نمایش ساده نیست در سر تشکیلات است . و آنان که از راه نظم اداری بخدمت امراللس مشغولند و با جوانان که تشکیلات نظم بدیع الهی را تحصیل میکنند از قرائت شعر بنکات دقیق لازم ای بی میبرند که در جایی ندیده اند این نمایشنامه را باسانی میتوان بر صحنه آورد و نمایش داد زیرا تکلفی ندارد و تمرین فوق العاده ای - نمیخواهد .

چون بنای نمایش بر محاورات شفاهی است از این جهت سعی شده که در ترجمه سادگی اصل کاملاً رعایت گردد و از عباراتی که با اصطلاح لفظی قلم است و در محاوره بکار نمیروند اجتناب شود .

" هیات تحریریه ادتنگ بدیع "

بازیکنان  
=====

- |   |   |
|---|---|
| ۱ - گوینده  | ۷ - خانم الیزابت بریسک Brisk ( جوان )   |
| ۲ - همراهان گوینده آقای الف و خانم ب  | ۸ - آقای فرند Friend ( کامل ) محتاط و کم حرف - خوش فکر فروشنده تماشا در یک مغازه بزرگ       |
| ۳ - خانم وایزلی Wisely خانمی نسبتاً مسن و صاحبخانه مهربان و لایق                    | ۹ - آقای اسکار بوم Oscar Boom ( در اواسط عمر ) پر حرارت و واسطه معاملات                     |
| ۴ - آقای جک اسمیت Jack Smith  | ۱۰ - خانم اولیوید Adelaide ( پیر ) عالمه در عین حال کم ظرف مبلغ مهاجر شهر فیر ویو Fair-view |
| ۵ - خانم جین اسمیت Jane Smith   | ۱۱ - آقای جرج پن هولند Geo. Penhold ( پیر )   |
| ۶ - خانم مارتا جونز Jones ( سی ساله و سیاه پوست ) آرام - لایق صاحب مغازه کوچک خیاطی |   |

طبیعت کم حرف کتابدار.

۱۲ - خانم ماری لو Mary Lou (۲۱ ساله)

بی تجربه فعال .

این نمایش در شهر فیرویو Fairview

دربالاخانه خانم وایزلی صورت میگیرد . فیرویو

شهری است متوسط که سکنه آن تقریباً ۵۰ هزار

نفر است .

صحنه اول

=====

گوینده و همراهمانشر آقای الف و خانم ب در اطاق -

پذیرائی خانه کوچکی ظاهر میشوند و گویند به مستمعین

چنین خطاب میکند :

گوینده :

احبابی عزیز ما میخواهیم بطور اختصار بعضی از وظایف

یک محفل روحانی را بصورت نمایشی در آوریم

و همچنین بعضی از خطاها و اشتباهاتی را که دامنگیر

هر محفلی ممکن است بشود نشان بدهیم و مجسم

کنیم . مجسم کنیم که چگونه هر وظیفه ای را اشخاصی

بخصوص بهتر از سایرین میتوانند عمده دار شوند

و سایرین هم بنوبه خود وظایف دیگری را بهتر اجرا

مینمایند .

زیرا شما بهتر میدانید که ما هر کدام یک نوع بخصوصی

هستیم و خواه ناخواه دخالت در اموری میکنیم که موافقت

و مطابقت با ما ندارد .

اینجا شهر فیرویو است و فعلاً نه بهائی بیشتسر

ندارد و این نه نفر در صد دند که هیات عامله اولیسن

محفل روحانی فیرویو را انتخاب کنند .

این بالاخانه خانم وایزلی است و ایشان ان -

خانمی هستند که با تازه واردین آقای جک اسمیت

و خانمشان جین اسمیت مشغول تعارف و صحبت اند ( در

این موقع اشخاص مذکور و قریب الذکر با بیان گوینده -

بترتیب در صحنه ظاهر میشوند )

این خانم هم خانم مارتا جونز هستند که با اتفاق

خانم بریسک و آقای کلارنس فرند تشریف آوردند بعد از -

ایشان هم آقای اسداجوم و خانم اولید وارد شدند

خانم اولید مبلغه و مهاجر فیرویو هستند و این آقای

دیگر جناب جرج پن هولندند که از احباب قدیم شیناگو

میباشند و برای خدمت مرالله از شیناگو خارج شده اند

تمام اشخاص مذکور بغیر از خانم اولید و آقای پن هولند

در ظرف هجده ماه گذشته بهائی شده اند و حالا خود

را حاضر میکنند که هیات عامله محفل را انتخاب نمایند .

( گوینده در اینجا بیرون میرود و نه نفر اشخاص مذکور

نشسته با هم صحبت میکنند )

صحنه دوم

=====

خانم وایزلی :

خانم اولید ممکن است بی رحمت یک مناجات تسلات

کنید .

( خانم اولید مناجاتی میخواند ) بعد از مناجات

خانم اولید میگوید :

حضرات بنظم بهتر است که تا انتخاب هیات عامله

خانم اولید جلسه را اداره بفرمایند ( همه تصدیق میکنند )

شماره دو و نهم و سیزدهم

آهنگ بدیع

سال ششم

خانم اولید : اجازه میفرمائید که اوراق رای را توزیع کنیم؟  
خانم وایزلی :

هستیم یعنی اولین کسانی هستیم که این وظیفه مقدس را بعهده داریم و کسانی هستیم که مسئول خدمت در سبیل امرالله در این سامانیم . . . . بنده وقتی باینجا امدم نمیدانستم که چه نتایج بزرگی بدستمیاید . . . . راستی خیلی مشکل است خیلی . . . .  
بوم :

بفرمائید من ورته ها را حاضر کرده ام (کنار میزرفته بهرکس یک ورته و یک مداد میدهد .)

آقای بوم :

بنظرم باید اول برای انتخاب رئیس رای داد

آقای فروند :

بنظرم حالا باید برای انتخاب نایب رئیس رای داد اینطور نیست؟  
اولید :

بلی همین طور است . ( در این موقع همه مشغول نوشتن میشوند و خانم وایزلی آرا را جمع کرده به خانم اولید تسلیم مینماید.)

آقای بوم :

چرا . . . . بلی همینطور است . ( آقای بوم ورته توزیع میکند و همه مینویسند او جمع کرد با خانم بریسک رایها را میخواند و می شمارد .)

که رایها را میخواند؟

خانم اولید :

بوم : به . . . . رفقا دل بحالتان میسوزد بنده نایب رئیس شدم حالا منشی را انتخاب میکنم . (باز اوراق را توزیع کرده اند پیش معین میکنند.)

یکی راستی . . . شما آقای بوم و خانم بریسک بی زحمت قرائت بفرمائید . ( آقای بوم از جا بلند میشود و رایها را میگیرد و با خانم بریسک یک گوشه ای از آن میروند و مشغول باز کردن و خواندن آرا میشوند.)  
بوم :

جناب بن هولده منشی شده اند بسیار خوب جناب بن هولده این دفعه شما گرفتار شدید بی زحمت حالا اوراق را برای انتخاب امین عندوق توزیع بفرمائید . ( آقای بن هولده اوراق رایختر میکند و مانند دفعات پیش جمع میشود.) آقای اسمیت خزانه دار شدند .

نتیجه معلوم شد و خانم اولید با کثرت آرا بسمت رئیس محفل انتخاب شدند .

اولید :

آقای اسمیت :  
کارمن از همه زارتر است ( همه میخندند )  
بوم :

آه . . . هیچ خیال نمیکردم مرا انتخاب بفرمائید .  
. . . من . . . لایق نیستم قابل نیستم . . . نمیدانم چه عرض کنم . . . نمیدانم از کجا شروع کنم ملاحظه بفرمائید که ما اعضای اولین محفل روحانی فیروبو -



اد لید :

بلی درست است . . . کجا باید تشکیل بدیم . . .

بلی حق با شماست . . . عجب! من هیچ در این باره

موضوع فکر نکرده بودم .

بوم :

بعقیده من باید در خیابان اصلی شهریک اطاق

اجاره کرد و در روزنامه ها جلسه عمومی روزیکشنبه را

اعلان کرد .

آقای اسمیت :

پول اجاره اطاق را از کجا بیاوریم ؟

خانم اسمیت :

ممکن است دهمه منزل ما تشریف بیاورید خیلی خوشوقت

خواهیم شد ضمنا اجازه سالن را هم صرفه جوئی

خواهیم کرد .

بوم :

نه بنظر من این عمل امراتحت الشعاع شخصیتها

قرار میدهد من بهر حال با این پیشنهاد مخالفم .

خانم بریسک :

اجاره سالن تقریبا چقدر است ؟

بوم :

تقریبا ماهی چهل پنجاه دلار

آقای اسمیت :

ما هرگز نمیتوانیم این مقدار را بپردازیم . من خودم را

عرض مینمزم با این گرفتاریهایی که داریم بیشتر از پنجاه

دلار در ماه نمیتوانم تقدیم کنم .

بریسک :

منهم همین مقدار را میتوانم تقبل کنم .

فرند :

اما من ماهی سه دلار میتوانم تقدیم کنم و انرا هم

قول نمیدهم که همه ماهه بتوانم بپردازم .

آقای اسمیت :

این بحث فایده ندارد شما خودتان می بینید کسه

نمیتوانیم درآمد کافی برای اجاره سالن داشته باشیم

جونز :

تصور نمیکند که . . . .

بوم (قطع میکند)

من نمی فهمم اگر ما نتوانیم يك اطاق برای پذیرائی

داشته باشیم شما چطور توقع دارید که مردم بما بنظر

احترام نگاه کنند ؟

بن هولد :

بیخشید میخواستیم ببینیم من باید از تمام این مذاکرات

بگذر داشته بپردازم

بوم :

البته . . . البته

بن هولد :

ای وای . . . . . مدادم راجه کردم (جیبم ایتر

را میگردد و آخر مدادی پیدا میکند باز عقب کاغذ

گشته میگوید)

معدرت میخواهم گمان نمیکنم کاغذ همراه باشد .

بریسک :

شماره دوازدهم و سیزدهم

آذنگ بدیع

سال ششم

بفرمائید دفتر مرا بگیریید آقای بسن هولند . ( باد -  
تسلیم میکند )

بریسک :

این خیلی خوب فکری است منم باکمال میسل  
ماهی یکد فعه میتوانم قبول کنم .

بن هولند :

خیلی متشکرم خیلی ممنونم . خوب حالا چه باید  
بنویسم ممکن است زحمت یکی مرا راهنمایی کند .  
( بهر طرف مایوسانه نظر میکند )

جونز :

مانمیتوانیم . . . . .

بوم : ( قذاع میکند )

نه خیر من با اینهم مخالفم زیرا سبب وهن امر  
است و در انظار صورت خوشی ندارد .

خانم اسمیت :

بحث مادر باره يك محل پذیرائی بود .

بن هولند :

بن هولند : . . . اجازه بد هید ( مینویسد و زمزمه  
بلی بلی . . . )  
( میکند )

بیخشید کمی صبر بفرمائید من نمیتوانم اینطور  
یاد داشت کنم آقای بوم فرمود ند که این عمل امرالله

راجع بمحل ملاقات و احتفالات در جلسه ۲۲ اوریسل

۱۹۴۷ محفل روحانی فیروبو مذاکره شد عده ای موافق  
عده ای مخالف بودند .

راد را انظار خفیف میسازد

آقای اسمیت :

دارد دیر میشود و من وجین ساعت شش و نیم  
باید مرخص شوم .

جونز :

همانطور که عرض کردم . . . . .

خانم جین اسمیت :

اما ماهنوز هیچ تصمیمی نگرفته ایم .

بوم ( قطع میکند )

اد لید :

حرف اینجا است که چه باید بکنیم . . . من هنوز کاملاً

اوه بله باید تصمیم بگیریم . . . حالا اگر آقای

با منزل شخصی مخالفم .

بوم پیشنهاد دیگری بفرمایند خیلی ممنون میشوم

آقای اسمیت :

اما راه دیگری هم ندا ریم . . . خود دانید

گوینده : ( در کنار صحنه حاضر میشود )

وایزلی :

حالا ساعت ۱۰ است و بحث های درهم و نامر

بنابراین چه مانعی دارد اگر بنوبه قبول کنیم بیکهفته

ادامه دارد و وقتی ماد و باره به صحنه رجوع میکنیم

منزل بکنفر و هفته بعد منزل یکی دیگر مثلاً هرچند

ساعت یازده شده است و همه خسته هستند .

بارکه مایل باشید میتوانید اینجا تشریف بیاورید .

آقای اسمیت :

ببخشید آقایان بنده مجبورم مرخص شوم اگر خواب

بنده دیرشود خیلی خسته میشوم .

وایزلی :

اما ماهنوز تصمیمی نگرفته ایم .

خانم جونز :

خانم الیید . . . . شاید . . .

بوم ( قطع میکند )

من پیشنهاد میکنم که جلسه آینده را دو هفته

دیگر تشکیل بدیم و در ظرف هفته راجع بموضوع فکر

کنیم ونتیجه را بعد اراپورت بدیم .

اسمیت :

تا ایید میشود خوب شب همگی بخیر .

هر وقت اراده بفرمائید ممکن است منزل ما تشریف

بیاورید خیلی خوشوقت خواهیم شد شب بخیر خانم

وایزلی . ( بعضی دیگر هم بلافاصله بلند میشوند

سخنان مختلف رد و بدل میشود اخر همه وداع میکنند )

پن هولد ( هنوز مینویسد )

قرا رشد که جلسه آینده محفل دو هفته بعد

تشکیل شود کجا . . . ؟ راستی رفقا دفعه دیگر

کجا باید جمع شویم .

اسمیت ( از در خارج میشود )

خانم الیید بما خبر خواهند داد

خدا حافظ همگی ( خارج میشود )

۲۲۲۲

۲۲۲

۲

صحنه سوم

گونده با تفاقی همراهاش جلسه محفل را تحلیل میکنند .

گویند :

ملاحظه بفرمائید ما در این محفل چه دیدیم

همه صمیمی و ارزومند خدمت امر بودند اما با اینحال

جلسه بکلی بی ثمر وی نتیجه بود . اجازه بفرمائید

خطاها و اشتباهات را تجزیه کنیم .

آقای الف :

اولین خطا و بدترین اشتباهات بی اعتنائی و عدم

توجهی بود که نسبت به مارتا جونز معمول داشتند

چنانکه هر وقت میخواست صحبت کند سخنش را قطع

میکردند و از او غافل میماندند . ما همیشه باید متوجه

باشیم که اقلیت ها عموما در زندگی روزمره خود دستخو

توهین و تحقیرند و علتش را از غفلت مردم است یا از

تعصبات شدید نژادی .

اما چیزی که جای تاسف است این است که مثلا

یکی از خواهران بهائی ما در این مجامع خود را بیسن

خانواده روحانی حقیقی خود نبینند و مسرور نباشد .

مارتا جونز انشب بمنزل خود رفت البته کینه ای بددل

نگرفت اما احساس کدورتی کرد و بدون آنکه بخواهد

و شاید هم از روی اراده کمی دلگیر شد و این اسفند

انگیز ترین ثمر اداره این جلسه بود .

خانم ب :

اشتباه دیگران بود که جلسه اصلا نتیجه ای

نداشت و کاری بانجام نرسید با وجودیکه سه ساعت

شماره دوازدهم و سیزدهم  
و نیم هم طول کشید چرا؟  
گویند:

دلیل اول آنکه وظیفه رئیس خانم الید بکلی فراموش  
شده بود وظیفه یک رئیس این است که نظم جلسه  
را حفظ کند و این نکته را مراعات کند که هر کس مصفاغه  
فرصت اظهار نظریات خود را بیاید و همچنین موظف  
است که کاری کند که هشت عضو دیگر نتوانند یکسوال  
وقار و ادب و ضمنا با عراحت لهجه عقاید خود را در -  
نهایت ملایمت و لیاقت و منظم بیان و تعقیب نمایند یک  
رئیس بهائی حائز امتیازات مخصوص نیست او هم چون  
سایر اعضای محفل صاحب یک رای است و چون دیگران  
ازادی بیان عقاید خود را دارد اما درگز از مقام خود  
نباید سوء استفاده کند و بحث را بخود منحصر کند .  
خانم الید نه نظم جلسه را محفوظ میداشت و نه  
شور و بحث را اداره میکرد . از اول تا آخر جلسه  
تسلیم دیگران بود و آقای بوم همه چیز را قبضه کرده  
بود و البته بوم شخصیتی بارز و قوی داشت و بیشتر  
از همه سخن میگفت .

خانم الید هر چند که خانمی فد اکا رو خودم باشد  
و هر چند که در تبلیغ امر الله ماهر و لایق باشد باز این  
چیزها را بب نمیشود که به مقام ریاست محفل بتواند  
چنانکه باید خدمت کنند .  
خانم ب :

سومین اشتباه اساسی این بود که ازین این نه نفر  
دو نفر یعنی آقای بوم و آقای ا سمیت بیشتر از دیگران

### آهنگ بدیع

سال ششم

صحبت نموده و البته این قصور را ایشان نبود علتش این  
بود که خانم الید در طبق قوانین شو رسهائی رفتار  
نکرد از اعضای دیگر نخواست که بنوبت عقاید خود را -  
اظهار دارند و همچنین خانم الید بعد از نشور  
و صحبت فراوان برای اتخاذ تصمیم اعلام رای نکرد .  
از این گذشته یکی دیگر از تناقضات ضعف این محفل  
جدید التاسیس منشی محفل بود آقای پن هولسد  
نمی توانست در عین اینکه یاد داشت بر میدارد در مد اکرا  
شرکت کند و ایشان اصلا نه سابقه منشی گری داشتند  
و نه استعداد شرا . کسیکه شغلش کتابداری باشد  
ایا بهتر نیست که بجای منشی گری خزانه داری کند.  
گویند :

حالا اجازه بدید این محفل را دوباره نمایش  
در هیم الان تقریبا قرائت ارا تمام شده و نتیجه  
انتخابات ایندفعه اینست :  
آقای بوم رئیس خانم وایزلی نایب رئیس خانم بریسک  
منشی آقای پن هولسد خزانه داره  
( بقیه در شماره بعد )

+++++

+++++

+++++

+++++

++++

+

\*\*\*\*\* ( محمد علی فیضی ) \*\*\*\*\* \*

ینصحك القلم الاعلی انه لهوالفضل الكریم اذكر  
من كان اعظم منك شاناً واكبر منك مقاما ( ناپلئون سوم )  
این هووما عند هانتبه ولا تكن من الراقدین . . . .  
یاملك تفكر فیه وامثالك الذین سخر والبلاد وحكموا علی  
العباد قد انزلهم الرحمن من القصور الی القیـسور  
اعتبروكن من المتذكرین " وخطاب بسواحل رود رن -  
چنین میفرمایند : " یاشواخی نهرالربین قدرایناك -  
مغطاة بالدماء " ( در جنگ ۱۸۷۰ ) بما سل علیك سیوف  
الجزاؤلك مرة اخرى ونسمع حنین البرلین ولوانهم صما  
الیوم علی عزیمین " ویلهلم اول كه رمورد خطاب -  
بارك قرار گرفت در سال ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۸ سلطنت  
نموده ودر سن نود ویکسالگی درگذشت وسازاو -  
فردريك سوم پسرش جانشین گردید ولی سه ماه بیشتر  
سلطنت ننموده مرض سرطان فوت نمود ویلهلم فرزند  
او كه نوه ویلهلم اول واز جانب مادر نوه ویکتوریا ملکه  
انگستان بود سلطنت رسید ومقدربود كه مواعید  
حضرت بیه الله دربارہ آلمان و سواحل رود رن در  
زمان امپراطوری اوتحقق یابد این پادشاه كه در سن  
بیست ونه سالگی براریكه حكفرمانی مطلقه جالس  
شد به حكومت استبدادی بیشتر متمایل بود واز آغاز  
سلطنت با بیسمارك صدراعظم پیردانی خود مخالفت

ویلهلم اول از خانواده هومنزرن وهفتمین پادشاه  
پروس بود كه بكمك وزیر اعظم خود بیسمارك موفق گردید  
ایالات وممالك داخله آلمان را كه هريك مستقل وداری  
پادشاه جداگانه بود متحد گرداند وچون در جنگ  
سال ۱۸۷۰ بدوریکه مذکور شد بر ناپلئون سوم غالب  
گردید ودقصر ورسای تاجگذاری نمود پادشاهان و -  
ودو كه ای قسمتی ای مختلفه آلمان اورا رسمت  
با امپراطوران كشور شناختند وبنیان سلطنت وحكمفرمانی  
اوبر تمام ان مملكت استوار شد . در همین موقع  
حضرت بیه الله در كتاب مستطاب اقدس با عباراتی  
صریح وواضح از غروری كه در اثر این فتح وضمیر او -  
مستولی شده بود اورا تحذیر و توجه واطاعت امر الهی  
تصحیح فرمودند ودر ضمن خطاب بسواحل نهر  
رن كه در سرحد بین فرانسه و آلمان است از وقوع جنگ  
دیگری كه ان اراضی را بخون آغشته خواهد نمود پیشگویی  
فرموده وسقوط ان امپراطوری نوزاد وضحه وناقصه  
ساكنین برلین را نبوت فرمودند قوله الاعلی :

" قل یاملك برلین ( ویلهلم اول ) اسمع لندا  
من هذا الهیکل المبین انه لاله الا ان الباقی الفرد  
القديم ایاك ان يمنعك الغرور عن مطلع الظهور  
او حجبك الهوی عن مالك العرش والشری كذ لك

نموده او را معزول داشت و تمام کوشش خود را صرف تقویت سپاه و تجهیزات نمود و در سیاست بحری با انگلیس دعوی همسری و رقابت نمود و بکمک قوای بحری خود مستعمراتی بدست آورد و از هر چه سلطنت آلمان چنانچه امپراطوری فرانسه گردید و از این سرو تمام دولت اروپا به براسرا افتادند تا آنکه دولت مقتدره بر سر مسائل بالکان اختلاف حاصل نمود و کینه جوئی فرانسه با آلمان برای تصرف ایالات السزاس ولرن و نفوذ و ازدیاد قدرت آلمان در اروپا و آسیا و رقابت اقتصادی و تجاری وسط مستعمرات افسوس سیاست بین المللی راتیره و تار نمود و همه مترصد و منتظر بهانه می بودند که اثر جنگ بر افروخته شود و این انتظار چندان بدو نیا انجامید که واقعه کشته شدن ارشید وک فرانسه افتاد و ولیعهد اطریش دستا ویز اعلان جنگ چه انگلیس گردیده و اشران تا مدت چه ارسال قسمت مهمی از نیای تمدن را خراب و ویران ساخته و ساکنین را بگودال نیستی و هلاکت کشانید و اجمال این قضیه آنکه ولیعهد اطریش با مسخر خود سوفی و هوهنسرک در ضمن سفر روسی که بشهر سرایه وایتخت بسنی نموده بود بدست یکی از محصلین سری موسوم به گر دایلیور نسلیسپ در تاریخ ۲۸ ژون ۱۹۱۴ ابضرب گلوله گشته شدند و دولت اطریش جمعی از وطن پرستان صرستان و ولیعهد اندولت را محرک این قضیه دانسته بصرستان اعلان جنگ داد و روز بعد

بلگرا در آنگوله باران نمود و لتروسیه بکمک صرستان و دولت آلمان بکمک اطریش وارد میدان جنگ شده و بعدا سایر دولت تویه نیز بطرفداری هر یک از متخاصمین قیام و بیوستگی خود را بجنگ رسماً اعلام داشتند و دولت آلمان تا پایان جنگ قریب چهارده ملیون سپاه بمیله آنها میختلف اعزام داشت و در همه جا فتح و غلبه نمایان نصیب اندولت گردید و اوازه پیشرفت می ای و دنیا را بوحشت و اضطراب انداخته حتی در ایران طرفداران آلمان و نفوسیکه نسبت باین بهائی نظر خوبی نداشتند ایات نازله در کتاب اقدس را در باره آلمان بر فراز منابر بطور استهزا قرائت نمود و مردم را بر علیه بهائیان تهییج مینمودند ناگهان برخلاف انتظار مردم سپاهیان آلمان و متحدینش در چه فرانسه و فلسطین دچار شکست می ای بی دربی گشته و از یاد رامند و حکومت آلمان تقاضای متارکه جنگ نمود و جمعیت سوسیالیست در داخله کشور سرشورش و انقلاب برداشته تخت امپراطوری آلمان و ازگون و ولنهم ناگزیر از سلطنت استعفا داد و با ولیعهد و خانواده اش مملکت هدلند پناهنده شد و برلین دچار هرج و مرج گشته قحطی شدیدی اذالی را در رضیقه انداخته و حکومت جمهوری رسماً اعلان گردید و موجب مقررات عهدنامه صلح که در قصر ورسای همان محلی که ولنهم اول پس از غلبه بر فرانسه تاجگذاری نموده و با امپراطوری رسید بود در تاریخ ۲۸ ژون ۱۹۱۸ منعقد و امضای ( بقیه در صفحه ۲۴۴ )



\*\*\*\*\*

محبت

\*\*\*\*\*

طلوع شمس حقیقت شد از جبین محبت  
زوجه غیب برافکند پرده شاه قدرت  
برفع ظلمت نادانی و عداوت و بغض  
جمال اقدس ابهی همی ز عالم بالا  
زکنز فضل و عطا داد به رزینت انسان  
برای نظم جهان و حفظ جمله جهانسی  
گراد می بگذازشم ال تیره کینه  
دی رهاکن خوی در ننگی و لنگی  
کناره گیرد می از قیود وهم و تعب  
اگر بخواهی چون بحر پر خروش و شوی  
کنی زمزمع دل گرگیا هرزه عداوان  
زدره بین حقیقت بنیره ذره نظم رکون  
اگر تو راهوسر دیو بندی است چو آصف  
بین بروز ازل کردگار جل جلاله  
کسیکه زنده بروج محبت است بیاید  
بچشم مهر و محبت نظاره کنن که ببینن  
بشعر گفتن آذرنمیر خیل ملایک

جهان جوانشد از آئین نازنین محبت  
که در زمانه دهد انتشارد یمن محبت  
پدید شدید بیضا از آستین محبت  
علا زند که منم یارد نشیمن محبت  
بدست مکرمت خود رنمیین محبت  
نهاد قاعده محکم و متین محبت  
بیا و جایگزین باش در زمین محبت  
بباش راهوی مشکین دشت چیدن محبت  
قدم فرانہ بر عالم یقین محبت  
بنوش قطره آزاب آتشین محبت  
برویدت گل نسرين و اسمین محبت  
که هست عالم امکان همه رهین محبت  
بساز زینت انگه ترا زنگین محبت  
سرشت هیکل ادم زما طین محبت  
هما نقد رکه د یام آورد سنین محبت  
زوجه اهل به آیت مبین محبت  
ز آسمان بفرستند آفرین محبت

( آذرنمیر تبریزی )



\*\*\*\*\*

"علامت وحدت"

\*\*\*\*\* ( ترجمه ضیا الله شمسی ) \*\*\*\*\*

ترجمه مقاله سی و هشتمین شماره سال ششم مجله

"نی زیر" مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۵۱ مطبوعه درنم -

لیدن "از شهرهای هلند"

وسیله و طریقی بودند که بر اساس تشریک مساعی متقابله در راه رسیدن به هدف نهائی خود که اتحاد عالم انسانی است جمیع را بیش از پیش یاری و یاورى نماید . بنای این کنفرانس در شونینگن ( هلند ) و معبد ویلمت در امریکا هر دو از یکجا منشعب گردید یکی در اینجا و دیگری در جای دیگر است . هر دو از مبدأ واحدی - منشعبند که تاکنون از آن مبدأ در کشور هلند کمتر سخنی بمیان آمده و آن دیانت بهائی است . بیان مفصل اینکه این دیانت شامل و حامل چه مطالبی است . از عهده این مجله خارج است . بطور مختصر به ائیت آئینی گسه در بیش از ۹۶ مملکت انتشار یافته فقط شامل یک عقیده محدود مذهبی نبوده بلکه حامل نظریه ممتازی برای زندگی عملی نوینی است که آن - نظریه در قالب سلسله ای از احکام و تعالیم بیان گردید که میتوان آنرا نقشه بنای دنیای نوی نامید . که از جمله برازنده ترین آنها - اتحاد عالم انسانی بیت العدل عمومی تعلیم و تربیت عمومی و اتحاد و اتفاق جمیع ادیان و مذاهب الهی است .

شما شاید موقعیت شهر ویلمت را کاملاً نشناسید این شهر در کشور ایلینویس از کشورهای متحد آمریکا شمالی واقع است و در آن شهر معبدی موجود که تصویر آن در اولین صفحه این مجله ملاحظه میشود . این معبد از معابد ممتاز و مختص جهانی است نه فقط از نظر معماری بلکه بیشتر بععل تاریخی بنا و علامات مخصوصه آن . همچنین بیشتر بععل اعانات مستمر که با کمال رضا و رغبت از اقصی نقاط جهان بمنظور ساختمان آن تقبل گردیده در هفته گذشته در شونینگن ( از شهرهای ساحلی هلند در نزدیکی لاهه مترجم ) کنفرانسی منعقد بود که بیش از صد نفر از ۱۹ ملیت متفاوت بمنظور شرکت در آن از اقالیم مختلفه جهان چون آمریکا - افریقا - استرالیا - آسیا - کانادا - اروپا از اغلب ممالک و نقاط بسوی هلند آمده بودند . از جمله امال دیرین خادمین عالم انسانی که در این کنفرانس صورت تحقق بخود گرفته بود روابط بسیار عمیمانه - شرکت کنندگان این انجمن بدون اشنائی قبلی بود - چمکنی با اطلاع و فراست کامل متحدان رجستروی -

منظور ما قضاوت درباره این عقیده و یا تبلیغ آن نیست ولی آنچه را که نمیتوان از مد نظر دور داشت مجاهدات روز مره بهائیان بمنظور تحقق مرام و امالشان در سراسر جهان است. که در این راه تاکنون بیش از هزاران شهید جان خود را فدا نموده اند تشکیل کنفرانس بهائی در شونینگن سبب گردید که مانع اندکی درباره بنای شگفت انگیز معبد ولیمت بضمیمه تصاویر آن و نیز درباره تاریخ شگفت انگیز تران مطالبی چند در این مجله درج نمائیم .

تاریخ بهائی در ماه مه ۱۸۴۴ در شهر شیوساز از شهرهای ایران آغاز میگردد . در آن زمان و مکان تاجر جوانی اظهار نمود که پروردگار عالمیان او را بمقام باب منصوب نمود و او را مبشر ظهور عظیم تری قرار داد که از آن ظهور در جمیع کتب آسمانی بنام ظهور مری جهانی برای اتحاد عالم انسانی و تحقق صلح اعظم و عمومی ذکر گردیده ، کثرت روز افزون پیروان او سبب بروز مخالفتهای شدید از جانب طرفداران ادیان سالفه گردید و این مخالفتها بود که سبب بروز زجر و شکنجه های بیحد و حصر که منجمله آنها اسارت با بواعدام آن وجود بوسیله باران گلوله شش سال پس از اظهار امرش بنام ملحد رشهر تبریز گردید .

ولی با اعدام موسس این ائین اثینش معدوم نگردید و پس از انقضای چند سال از این واقعه انتشار امرش بمراتب بیشتر از پیش گردید و در نتیجه سبب شد که بدست مخالفان هزاران نفر از پیروانش اسیر

غل و زنجیر و عذاب و شکنجه های ظالمانه گردند . در بین اسرای طهران نیز یکی از اشراف زادگان ایرانی فرزند یک وزیر بزرگ بود که بعد از بلقب 'بهائ' الله ملقب گردید که چون از خاندان اشراف بود از مرگش صرف نظر و در زندان او را اسیر بند و زنجیر نمودند . پس از مدت مدیدی زندان پر شکنجه و غارت اموال و دارائیشان ایشان را بهمراه عائله شان بسوی بغداد نفی نمودند . معهد از د و روز یک پیروان باب بنزد او میامدند و جمیع علائم موعود منتظر را که از جمله آنها ظهور احکام و تعالیم بین المللی بود و تحقق آنها را بوسیله موعود منتظر را باب تبشیر نمود و بسود در ایشان ملاحظه مینمودند .

در سن ۷۵ سالگی در سنه ۱۸۹۲ میلادی بهاء الله از این جهان درگذشت و در وصیتنامه خود عبدالبهاء فرزند ارشد خود را بمقام مرکزیت امر و مبین آیاتیکه در ظرف ۴ سال نفی و زندان نازل گردیده بود منصوب نمود . عبدالبهاء پیش از آنکه انتشار امر بهائی بوسیله مکاتیب بیشمار و پس از ازادیش در سال ۱۹۰۸ در اثر انقلاب جوانان ترک بوسیله خطابات گیره خود در ممالک مصر فرانسه انگلستان - المان و کشورهای متحده آمریکا گردید ، و در سن ۷۸ سالگی در سنه ۱۹۲۱ در شهر حیف از این جهان درگذشت . در وصیتنامه خود شوقی افندی نوه خود را بعنوان اولین ولی امر ائین بهائی انتخاب نمود .

از سنه ۱۹۲۰ سعی بلیغ بذول میگردد که معبد

عظیم و سفید و درخشان و ولت بنا گردید ، تزیینات -  
 خارجی آن چند سال است که خاتمه یافته تزیینات  
 داخلی و باغچه بندی اطراف آن نیز در آغاز سال  
 ۱۹۵۳ خاتمه خواهد یافت . ما نمیدانیم که نکته  
 نمایان دقت معاونت بیش از یک ملیون بهائیان  
 شرق و غرب عالم است که به ساختمان این بنا نمودند  
 یا معماری آن که بکمال وضوح اصول بنای مصری -  
 یونانی - رومی - عربی - گوتیک - رنسانس - و طرز  
 مدرن را در یکجا جمع نموده میباشد . معبد و گوشه  
 چون اهنگی از آثار بهترین اهنگ سازان معماری  
 و اروپا میز بنظر میرسد . بهر زمان به نسبت وجود و جوه  
 اعانات بنا گردید .

۲۰ سال مداوم یک معمار برای ساختمان این بنا  
 مجاهدت نمود و هنگامیکه ستونهای آن بر روی -  
 اساس استوار میگردد او چشم از اینجهان برست  
 جانشین او و بمنظور بنای آن از سنگ یا فلز  
 با حفظ جمیع اصول آن متد جدیدی اتخاذ  
 نمود . و آن این بود که با اختلاط سمنت سفید و سنگ  
 کوارتز مخلوطی بوجود آورد که استحکام آن سختتر  
 از سخت ترین سنگهای طبیعی است این بنای -  
 شگفت انگیز که دلیل واضحی بر وجود ایمان و عقیده  
 باید اریست در ۲۵ کیلومتری شیکاگو . و در ساحل  
 دریا چه میشیگان واقع است .

این مطلب که ما هم در عقیده بابانیان آن بنسب  
 تاچه اندازه هم عقیده هستیم مطلب دیگری است

ولی مهمتر از همه علامات امیدواری بایجاد نیای  
 محبت و یگانگی است که در یکایک سنگهای آن بنسب  
 جایگزین گردیده و معرف همان محبت و اتحادی است  
 که سبب پیدایش کلیسای شارتر " در فرانسه " و وست  
 مینیستر " در انگلستان " گردید .

البته از وظایف اولیه آنهاست که چنین  
 میراث عظیم گرانبهای را درست دارند و دائما  
 بدعا برخاسته و نهایت دقت را نمایند که مبادا -  
 اسباب از صیقل و فرغ از اصل پیشی گیرد یعنی  
 ادارات و تشکیلات امر شده ایمان و اثر خلوص  
 را از لیلی وارد آورد .  
 وقتهای بيموقع در باره جزئیات امور که  
 از تشکیلات نشده گردید و کارموظین را تیره سازد  
 زندهار زندهار که طره دلری جباه خلیبی و تعلق  
 بدنی در امور رسوخی نماید زیرا بهر زمان نور  
 آفتاب مقدس را ظلمانی و ظهارت و تنزیهش را لگه  
 دار و اثرات عمیق اش را تلخ و معدول خواهد شد  
 ساخت .  
 ( استخراج از ترجمه لوح مبارک مورخه ۷ فوریه  
 ۱۹۲۹ خطاب بحفل مقدس روحانی امریکا )

+++++  
 +++  
 ++

\*\*\*\*\*

تفسیر امّاره

\*\*\*\*\* (روحی: امّاره) \*\*\*\*\*

سائر کائنات و موجودات عالم مخلوقی است حقیر و در -  
قبال این اقیانوسها دره ها کوهها صحراها کرات  
عظیمه و سیارات جسیمه موجودی است عزیز و لی  
همین انسان ضعیف دارای نیرو و قدرتی است عجیب  
زیرا جمیع این موجودات را که از حیث وسعت قدرت  
و قوت بر او برتری دارند در تحت قدرت و اراده قوی  
خویش محکوم و مجبور ساخته است .

در اطاقی محقر می نشیند بدون تعب و زحمت  
دکمه ای را می فشارد و بر رخه ای عظیمی را بگردش در  
میاورد . چون سلطان مقتدری بر کرسی عزت و جلال  
جالس میشود و جمیع موجودات کوچک و بزرگ را بسه  
بندگی و خدمتگزاری خویش مامور میدارد . دل ذره را  
میشکافد رموز اسرار انرا در می یابد و چنان قوت و -  
قدرتی از خود ظاهر میکنند که اسباب تحیر عقول  
است . برقی که در هوا بسبیله دمار و خرابی منازل و -  
باغات و مزارع و جنگلها بوده بقوه هوش و استعداد در  
فوله ای مجبور میسازد و جز در موارد معینه باراده  
مقتنه و فکر سلیم خویش اجازه آزادی و خروجش را نمیدهد  
اخیرا از این پنج قاره وسیع قدم فراتر نهاد و بیا هند  
پرواز بکرات و سیارات دیگر در مساز و قصد کشف این راز  
دارد و مدعی است که در اثر ترقیبات در علوم و موفقیت

در کلمات مکنونه عربی شارع امر مقدس بهائسی  
مقام انسان را باین بیان احادی روح افزا توصیف  
میفرمایند :  
یا ابن الوجود صنعتك یا پادى القوه و خلقتك  
یا نامل القدره و اودعت فیک جوهر نوری فاستقن بعین  
کل شیئی لان صنعی کامل و حکمی نافذ لا تشك فیسه  
ولا تکن فیه مربیا "

با تلاوت این بیان مبارک سئوالی پیش میاید که ایسا  
این انعمان خاکی این موجودی که از پوست و گوشت  
و استخوان ساخته شده و در امور جسمانی با حیوان فرق  
و امتیازی ندارد بلکه در خیلی از امور بمراتب از حیوان -  
پست تر است . این وجودی که در بیخ و خم دنیای -  
دنی با نوع محن و متاع مبتلاست . این بشری که سه  
همواره دستخوش هزاران مصیبت و بلا و در معرض اقسام  
جور و جفاست این آدمی که آنی از شر نفس و هوای درامان  
نیست . این مخلوق دیوانی که چون سباع ضاریه  
خون اپنا\* نوع خود را میریزد چگونه مصنوع ایجاد ی  
توه الهی و مخلوق انامل قدرت ربانی است ؟

اندکی تبصر و امعان نظر در وجود انسان حقائق  
مودعه در بیان مبارک را مکتشف و مبرهن میسازد زیرا  
برای العین مشاهده میکنیم که گرچه انسان در برابر

سهل و ساده است .

علت جمیع این بدبختیها وجود دشمنی عنسود  
 وعدوی لدود و لجاجت داخلی است که به نفس اماره  
 بالسوء تعبیر و تسمیه شده است . اگر انسان در -  
 خارج بر عالم طبیعت حکمرانی میدند ولی در داخل  
 وجودش محکوم و مجبور صفات رذیله و ناپسندیده است  
 اگر در خارج توانسته است به کشفیات عظیمه موفق شود  
 و بقوت خارق العاده مودعه دشمنان دیرین را برانو  
 در آورد ولی در قبال دشمن خو و نخواستار و خصم تبهکاری  
 که در درون او کین کرده و هر آن درصد اضلال و -  
 اغوای اوست و هر دم با اشکال مختلفه و صور متنوعه ظاهر  
 میشود بقسمی زبون و بیچاره است که اغلب جـ -  
 ابااعت و انقیاد چاره و مفـسری در برابر هجـم  
 این دشمن بی رحم ندارد . این دشمن مجـرب  
 و این ظافی قسی القلب چون ضعف و سستی ببینند  
 بر نیرو و قدرتش بیفزاید و انقدر با لشکر جرار در ساحت  
 وجود بتازد که عاقبت الامر عقل و روح را مطیع و منقاد  
 خویش سازد ایداش این دشمن غدار با یک لباس و به  
 یک شکل ظاهر و آشکار میشود و مردانه به جنگ و ستیز  
 بر میخاستد خیر با اشکال مختلفه و وجوه متنوعه ظاهر  
 و نمودار میگردد . دروغ تقلب حسد - بغض و کینه  
 خصومت - کبر و نخوت - خیانت - عدم عفت و عصمت  
 کفران نعمت - فتنه و فساد - جبرح و قتال - جنگ و  
 جدال - نقض عهد و پیمان و غیره لباسهای فریبنده  
 است که نفس اماره میپوشد و در ساحت وجود عرض اندام

در فنون من جمله استفاده از قوه شگفت انگیز انتم  
 بدون شک و تردید در آینده با از اثره لعل و ارزویرون  
 نهد و باین کشف عظیم موفق گردد .

واقعا اگر بخواهیم مظاهر این قدرت و هنر را در  
 این سطور برشته تحریر در آوریم و به بحث و محضر  
 در این مقال بپردازیم از حوصله و گنجایش این -  
 مقاله خارج است و انگهی ذکر نمونه و شواهدی چند از  
 عظمت این نیرو و قدرت کافی است که خواننده محترم  
 نشانه های بیشتر و امثله قویتر بخاطر آورده به ستایش  
 و نیایش حسنی قدیری که انسان را بخلعت زیبای  
 عقل و درایت مخلع و به چامه فاخر و گرانبهای علم  
 و دانش ملبس فرموده مشغول شود و ابراز سرور و شادی  
 نماید .

با مشاهده جمیع آثار قدرت و قوت در انسان  
 باز مشاهده میکنیم این انسان قوی که اینهمه -  
 موفقیتها نصیبش شده و عنایات و مواهب الهیه را کسب  
 کرده در بسیاری از موارد خوار و ذلیل است . ایسا  
 این زبونی و بیچارگی در کجاست ؟ بشری که توانسته  
 است به نیروی عقل و هوش خویش سلطنت مادی را  
 در عالم مستقر سازد بر وساده عزت و قدرت متکی شود  
 و عظمتش را با اعلی درجه رساند چرا ناراضی و نا -  
 راحت است ؟ چرا دائما در رنج و تعب است ؟ چرا  
 در جنگ و جدال است ؟ چرا اسیر است ؟ . . . .  
 و اگر بخواهیم این چراها را ذکر کنیم شاید هزاران چرا  
 باشد . جواب این سؤال و عبارته آخری این چراها

میکنند .  
 ای کاش انسان همانطوریکه در راه کشف مجهولات  
 و درک رموز و اسرار حیات همت گماشته اندکی هم  
 در کارگاه وجود خویش تجسس و تفحص میبرد اخلاص و  
 علل بدبختی - بیچارگی - فنا و نیستی بی میبرد  
 صد هزار افسوس و دریغ که غفلت و فراموشی مانند  
 ابرسیاه و تاریکی چنان افق دل را بپوشانند که  
 نفس را ماره با کمال اسودگی و راحتی با غوا و گمراهی  
 مشغول است . انسانی که باید درقبال این عنایت  
 عظیم الهی از همه چیز مستغنی و بی نیاز گردد و  
 صنعت پروردگار را کامل مشاهده کند و حکمش را نافذ  
 بداند چنان ذلیل و عیبیل شده که حکم درندگان  
 ارض را پیدا کرده است . از هر سوآه و اینین ضعفا  
 بلند است از هر گوشه ناله و حنین در ماندگان مرتفع  
 است . صاحبان ثروت و مکننت در اضطراب و تشویش  
 مستمندان از فرط فقر و تنگدستی حزین و دل ریش -  
 جالسین بروساده عزت گرفتار انواع مصائب و سالکیین  
 در طریق علم و معرفت مواجه با انواع مهالك ارباب  
 قلم از جاده حق و حقیقت منحرف و اصحاب جور و ستم  
 در سبیل حیل و تزویر مستلک الی غیر اگر دیده بصیرت  
 بنگریم عالم بمنابه چرخ است که دنده هایش سائید ،  
 تعادل و توازنش مختل گردیده هر آن بیم آن می رود  
 که این چرخ زنگ زده از گردش یا زماند و یا بالعکس  
 منهدم و متلاشی شود . حق جل جلاله هم آنچه  
 لازمه سعادت و نیک بختی و وسیله جهاد بانفس اماره

بوده در طی يك قرن قتمادی فرموده سال نوبت ان رسید  
 که صدق این شعر ظاهر و بیان گردد :

لطف حق با تو مدارها کند

چونکه از حد بگذرد رسوا کند

تکلیف ما اهل بهاجیست ؟ وظایف مهمه و تکالیف -

خدیجه ما درهتون الواح و انار مبارکه بالصراحه بد و

مسطور است . خلاصه و مفاد ان این است که بفرموده

حضرت عبدالبها\* باید جامع جمیع کمالات انسانی شد

و نیل باین صفت علیا و مقام رفیع اسنی جز بر اثر غلبه

و استیلا برفس ظافی بوسیله دیگری ممکن و میسر نه

اگر در سنین خرد سالی و جوانی که خوشترین و بهترین

ایام حیات و در عین حال سخت ترین و پرخطرترین ادوار

عمر انسانی است در برابر این دشمن پرکین ضعیف

وزیون شویم پرواضح است که در ایام کهولت و پیری

قدرت مقاومت باقی نماند و غلبه و پیروزی خصم قطعی

و حتمی خواهد بود . پس اوقات گرانبها را در سنین

جوانی یعنی دوره نیر و توانائی باید مغتنم شمرد .

در اوقات منصوصه معینه شعله فروزان نفس ناری را به

آب معین بیانات الهیه فراموش کرد و با سلوک و رفتار

پسندیده مرضیه شمع آفاق شد .

+++++

+++++

+++++

+++++

++++

بعضی از تعالیم بدیع یانت بهائی

\*\*\*\*\* (از نشریه جوانان انگلستان) \*\*\*\*\* (ترجمه: هوشمند فتح اعظم) \*\*\*\*\*

الف: تعالیم روحانی

۱ - گنجینه ای از ادعیه و مناجات‌های نازل از هر قبیل و مشخصاً جمیع موارد هم برای رجال و هم برای نساء .

۲ - توافق میان تعالیم عرفای بزرگوار و دستورهای انبیاء الهی بوسیله کتاب هفت وادی .

۳ - توضیح رابطه حقیقی میان انبیاء که مظاهر ظهور و مرایای صفات الهیه اند در کتاب مستطاب ایقان .

۴ - تلخیصی از - فائق جمیع ادیان در ضمن ۱۵۳ قطعه کلمات مکنونه که هر یک چون دری غلطان در شنیده و تابان است .

۵ - تعالیم صریحه و واضحه ای درباره ترقی روح انسانی و مقصد از پرورش انسان در این جهان - فانی .

۶ - تبیین معنای باطنی حقیقی دین و ایمان که باید سبب رفاه و سایش بشر باشد والا اگر این سبب محبت نکرد عدمش به زود .

۷ - تاکید در این نکته که هر کس باید خود نحری حقیقت کند نه آنکه به شتم بسته از ابویین یا علمای معروف .

در مقدمه باید دانست که بهائیان معتقدند که چون حوائج بشر بالغ مترقی توسعه فراوان یافته ناچار تعالیم جدیدی از مصدر امر الهی نازل گردیده و از تعالیم بدیع چنین استنتاج نمیکنند که تفاوتی بین مظاهر هر ظهور موجود است بلکه جمیع ادیان الهی را یکی می‌شمارند .

اما حضرت اعلی از جمله دو نکته بدیع در کتاب بیان نازل فرموده اند :

۱ - تفسیر و توضیح سخنانی حقیقی بعضی اصطلاحات روحانیه از قبیل "جنت" و "جحیم" "موت" "حیات" - "بعث و حشر" "رجعت" و غیرها ( نیز جمع کنید بکتاب مستطاب ایقان )

۲ - اظهار این عقیده یعنی دمان قسم که انسان ذیحیاتی است که طی مراتب کرده در راه بلوغ فی المثل از درجه استهتلفه مدیسه بیگذرد بهمان - قسم ادیان الهی نیز در طی تاریخ متمم و مکمل یکدیگر بوده و خواهند بود .

اما در آثار حضرت بیه الله منبع عظیمی از تعالیم بدیع الهی موجود است که موافق حوائج و مقتضیات زمان است و از آن جمله این مند ار مذکور میگردد :

دین تقلید نماید .

۸ - اینکه دین باید با علم مطابق باشد والا -  
 و عقل  
 جهل است و مردمان بالمال از آن گریزان خواهند شد .

۹ - اینکه اساس جمیع ادیان یکی است و جوهر مفاعید جمیع مظاهر ظهور الهی اتحاد بشر بوده و همه فرموده اند که جمیع را خدای واحد خلق کرده .

۱۰ - تعصبات از هر نوع که باشند مخرب بنیان -  
 انسان است و باید از آن اجتناب کرد همچنانکه از تقلید تعالی که ساخته و پرداخته بشر باشد باید احتراز نمود .

ب - تعالیم اجتماعی

۱۱ - عالم انسانی در این یوم عظیم باید در ظل یک دین متحد گردد که همه باریک دار و مشکوفه و ثمر یک شجرند .

۱۲ - نزاع و جدال بصراحت تمام ممنوع و هر مهاجمی محروم رحمت پروردگار محسوب گشته است .

۱۳ - تعلیم و تربیت از حقوق فطریه انسان در هر نقطه ای از نقاط جهان است و اگر در این سبیل امتیاز در نظر آید باید دختران را مرجح شمرد زیرا ایشان مری اولیه اطفال اند .

۱۴ - تساوی حقوق زن و مرد و فراهم ساختن جمیع فرصتهای ممکنه ( بجا و تساوی ) برای هر دو -  
 چنانکه مکمل یکدیگرند .

۱۵ - لزوم یک لسان عمومی که بالا جبار علاوه

بر زبان مادری جمیع افراد انسان تعلیم شود .  
 ۱۶ - حل مسأله اقتصاد من جمیع الجهات که بعضی از اصول آن از این قرار است :

الف - محبت

ب - شرکت ( در سهام )

ج - اجبارکار

د - از میان رفتن فقر و غنای زیاد ازد

ه - مالیات تصاعدی

و - مواسات

ز - يك عند وق تعاون بین المللی که بطور مخصوصی تدارک میگردد .

ح - عند وق مخصوصی در هر جامعه که دارای عواید و مخارج معین است .

ط - قوانین مخصوصه ارت

۱۷ - محور رقیب و برادری چه شخصی و چه صنعتی

۱۸ - تحقق جمیع نبوات گذشته

۱۹ - عدل محض در حکومت جهان که بمرحله

بلوغ رسیده البته عفو و اغماض بین افراد معمول خواهد بود نه در حکومت جهان .

۲۰ - کمال نظم اداری که حاوی اصول و مهیئات

ممدوحه و صدیحه حکومت های سلطنتی و اشرافی

و دموکراسی است و مبری از نقائص هر یک از حکومت مذکوره

است . در ظل چنین منظمی جنبه های عرفی و شرعی

حیات انسان یعنی حکومت و روحانیت کاملاً هم آهنگ

و متحد و سازگارند .



۲۱ - صلح عمومی و یک مدنیت جهانی

۲۲ - عهد و میثاق حضرت بهاء الله کس

ضامن وحدتی است که مقصد از ظهور حضرتش میباشد بوسیله این عهد و میثاق است که کلمه الله از سو تفاهم و سوء تعبیرات بشری بدست ولی امرالله در هر عصر محفوظ و مصون خواهد ماند .

بدیهی است بسیاری دیگر از این تعالیم مبارکه در دیانت بهائی موجود است . فی المثل مردمان تا این زمان چنین امیخته اند که اهل عالم بدو قسم منقسمند خوب و بد یعنی دسته ای از اهل کتاب - تو م برگزیده - مومنین حقیقی و اهل اعتقاد صحیح و دسته ای دیگر از کافران و بدینان و زندیقان محسوب . اما حضرت بهاء الله در این باره صریحاً فرموده است که شری نیست و اهل عالم همه خواهند منتهی مراتبی در میان است و تنها تفاوتی که هست این است که بعضی جاهلند بعضی نابالغند بعضی مریضند - حضرت بهاء الله دین را بلباس تشبیه فرموده که بر قامت انسان دوخته اند و هر چند یکبار از کهنگی باید تغییر یابد و نوگردد و حضرت مسیح در این باره فرموده که شراب تازه را بخم کهنه نتوان ریخت و لباس نورا بلباس پاره نتوان پوشید .

باز نکته ای که میتوان ذکر کرد این است که دیانت بهائی مانند دیانت حضرت مسیح مجالی برای جاه طلبی و خودخواهی بشر باقی نگذاشته است اما اجازه میدهد که استعدادات ذاتی چه

در یک محصلویا در یک مملکت باشد وجه در عالم انسانی بهر مقدار و میزان که ممکن است جلوه و ظهور کند .

بهائی حقیقی کسی است که از صمیم قلب توفیق بر خدمت و نوازشی را در عالم انسانی آرزو نماید و مانند حواریون قدیم در جهان ابدی شهرت جاودانی - حاصل کند . انتهی

بقیه از صفحه ۲۳۳ . . . خطابات قلم اعلی

نمایندگان آلمان رسیدن مملکت خلیف صلاح گردید و - غرامات کم شکنی بر سیاکین انسرزمین تحمیل شد و د ایالت الزاس ولرن بفرانسه مسترد شد و در خارج اروپا در تمام مستعمرات خود صرف نظر نمود و از سنگینی بار تحمیلات و تضییقات چنین وناله برلین بتمام - معنی مرتفع گشت و بطوریکه پیشگویی شده بود سرحد حداثت آلمان و فرانسه در نواحی رودخانه رن بار دیگر بخون اغشته گردید .

حضرت عبد البهاء در لوحی خطاب با حبابی باطم میفرمایند : " از این حرب جسدید و انقلاب شدید نفوس خفته بید ارشدند و باقلان دوشیار گشتند وصیت تعالیم الهی در جمیع اقالیم اشتهار یافت منظوق کتاب اقدس و سوره سیکل بعد از پنجاه سال جمیع ظاهر و محقق - گشت خطاب برلین چون افق مبین ظاهر و آشکار شد و بویلhelm سرشروا ضح و میردن گردید و خطاب بنقده و اتعه بین البحرین مانند نیرین واضح و مشهود شد و آیه قد استقر علیک کرسی الظلم هویدا و مشهود گشت و همچنین اخبارات عظیمه و حوادث کلیه که از قلم اهلی صادر گشته "

\*\*\*\*\*

م — وطن مقدس

\*\*\* ( صدر مهدوی ) \*\*\*

ظل سلطه قوه قويه مطمئنه غيبی الهی بکمال اسودگی  
 معنوی وراحتی روحی وادامینان قلب و اسایش ضمیر  
 زنده و خوش و معنا سرورند این فته قلیله پیروان حضرت  
 بهاء الله جل ذکرة الاعظم ( بهائیان ) هستند اینها  
 به وعود و اشارات غیبیه الهیه مستظهر ایمان دارند  
 و در چنین زمان مشوشی فقط ضمیر بهائیان را بیانات -  
 مبارکه و اشارات قدسیه مطمئن ساخته وراحتی حقیقی  
 قلبی و اسایش معنوی روحی میزنند وحق استماع هر  
 خبر وحشت اثری را نوبد گشایش در رب فرجی بر روی -  
 اهل عالم می شمارند و اینها بیقین مبین میدانند  
 که ایران موطن حضرت بهاء الله آینده درخشانی دارد  
 و هر گرد باد مخربسی که در افاق سیاست بین الملل  
 برخیزد و هر طوفان بنیان کنی در سطح حیات اجتماعی  
 بتموج آید با مال برای موطن مقدس بهاء الله جز  
 عظمت و اعزاز اثر دیگری باقی نخواهد ماند چون حضرت  
 بهاء الله مخاطباً فرموده اند " یا ارض الطاء لا تحزنی  
 من شئ قد جعلک الله مطلع فی العالمین اطمئنی  
 بفضل ربک انه لا تنقطع عنک لحظات الالطاف "

همچنین باز مخاطباً فرموده اند " ای ارض طاء حال  
 هم از فضل الهی محل مقرد و ستان حق طوی لهم  
 وللذین هاجروا الیک فی سبیل الله مالک هذا الیم البدیع

در عصر وزمانی که دنیای کنونی در ارمعضلات  
 مادی و روبرو با مشکلات اقتصادی و مبتلای مصائب -  
 اختلافات بین المللی است در چنین ایامی قلوب بشیر  
 که از لحاظی قرارگاه روحانیات و در اصطلاح دیانت  
 مقدسه اسلامی قلب المؤمن عرش الله محسوب بوده  
 این قلب بشری در سایه بروز اختلافات و مشا جیره  
 قبائل و مصادمه ملل مادی و اقوام خود پرست و در اثر  
 اشتعال فائزه جنگ در بعضی از نقاط جهان همین  
 قرارگاه تقدیس " قلوب " سخت مشوش و تکلی در تزلزل  
 است .

در چنین دوره پروا همه بهت انگیز و زمان اعجاب  
 آور که زاده آدمی در ورطه تشویش غوطه و راست در دعای  
 ملل و سیاستمداران دول در فکر بیدایش چاره حیرانند  
 و در بعضی نقاط عالم گاهی اشتعال نائره ستیز مابین  
 بعضی از اقوام ملل جهانی را تم دید می نماید و مفسرین  
 سیاسی هر گونه پیش آمدی را هادم بنیان صلح تلقی  
 میکنند و در شعله اش جنگ چشم عالمیان را اشک  
 الود می نماید .

در چنین زمانی پرفتق که کشتی قلوب متلاطم است  
 ایه مبارکه الابدکر الله تطمئن القلوب " در باره قوم  
 بخصوصی صدق میکند دیده میشوند جمعیتی که در

بهایان از مهر نقطه عالم که هستند چشم امیدشان  
بر ایران موطن حضرت بهاء الله است این قوم ایران  
را کعبه امل میدانند و ایقان بر عظمت و اعزاز ایران  
دارند فرمایش حضرت عبدالبه است که فرموده :  
"افق ایران بسیار تاریک بود و چون نگاه ترک و تاجیک  
و فارسین را بنیاد بریاد و بنیان ویران تا آنکه سبب  
تاریک بیابان رسید و صبح امید بدید مید و افتاب حقیقت  
بد رخسید عنقریب گلخن گلشن گردد و تاریک روشن  
شود ان اقلیم قدیم مرکز نیفر جلیل شود و آوازه بزرگواری  
گوشزد خاور و باختر گردد و مرکز سنوحات رحمانیسه  
شود و مصدر قیوضات ربانیه گردد و عزت قدیمه باز گردد  
و درهای بسته باز شود الخ " بهائیان بقطع و بنسین  
میدانند که عاقبت ایران درخشان است و اتیه اش  
منور و تابان چنانکه حضرت عبدالبه میفرماید :  
"بروردگار عالمیان محضر فضل و احسان هیکل  
ایران را بخلعتی مفتخر فرموده و ایرانیا نراتاجی بر سر  
نهاده که واهر زواهرش بر قرون و اعصار بتابد و آن  
ظهور این امر بدیع است "  
باز درجائی دیگر میفرمایند : " مستقبل ایران در -  
نهایت شاد و عظمت و بزرگواریست زیرا موطن جمال  
مبارک است جمیع اقلیم عالم توجه و نظر احترام به  
ایران خواهند نمود و یقین بدانید چنان ترقی -  
نماید که انظار جمیع اهل عالم حیران ماند "  
مولای توانا حضرت ولی امرالله در لوحی فرموده :  
" عنقریب بدیده عنصری مشاهده خواهید فرمود -

سال ششم  
که حضرت بهاء الله روحی لسلطنته الفدا چه بساط  
عزتی بروجه اولیا و احببائش گسترده و چه قدرت و نفوذ  
و شوکت و جلالی از برای امنای ثابت قدم در جامعه  
بهای ظاهری و آشکار فرموده است غیب از مکن اعلی  
باین ندا مترنم ان یا وکلانی فی بلادی ان استقیموا  
علی صراطی تالله انه دقیق دقیق ثم اشتوا علی الامر  
وانه عظیم عظیم "

و تا آنکه میفرماید : " آنچه در دولت این امر  
خفی الطیف اعز اعلی مکنون و مخزون و مندمج است  
مکشوف و دیدار گردد و رفعت و مقام ان سروران عظام  
در مابین انام واضح و مبرهن شود ان هذا الوعد  
غیر مکذوب "

در توفیقی باز مولای توانا میفرمایند :

" اگر چنانچه تلاطم دریای بلا از دیار یابد و طوفان  
بحر ورزایا از شش جهه ان جمعیت مظلوم را احاطه  
نماید بحق الیقین بدانید وانی متردد نمایند که میعاد  
نجات و میقات جلوه موعود در پیرینه نزدیک گشته و وسائل  
اخیره فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده بهاء در  
آن کشور مهیا و فراهم گشته است قدم ثابت لازم و عزم -  
راسخ واجب تا این مراحل باقیه طی گردد و مقصود -  
اهل بهاء در اعلی المقامات بدیدار و جلوه فی حیرت  
انگیز نماید خداستند اله و لن تجد لسنة الله تبديلا "  
تا آنکه باز مولای توانا در توفیقی دیگر میفرمایند :  
" این تعهدیات که بر باران ستمدیده بی گناه در -  
آن دیار وارد چنانچه قبلا صریحا مرتهم گردیده و -

شماره دوازدهم و سیزدهم  
بقیه از صفحه ۲۳۴

آهنگ بدیع

انمرحوم در زمان حفر قنات . کارگری از اهل وسکینقا<sup>ن</sup>  
داشته است بنام شیخ جعفر نامبرده برای احبابی  
جاسب شرح تصدیق خود را بدین طریق نقل مینموده  
است .

مدتی بود که با اقا میر و محمد نوروزی از اهالی  
وسکینقان مشغول حفر قنات بودم . بنده بنا بنگفته  
عالم محل نفس مرحوم اقا میر را سم میدانستم . حتی  
المقدور از تماس با او اجتناب میکردم بطوریکه هنگام  
صرف نهار در لب چشمه قریب سیصد قدم با او فاصله  
میدرفتم در مدت حفر قنات که قریب چندین ماه بطول  
انجامید از او بردیز میکردم . اقا میر از زبان مهربانی  
و خلق نیکی که مخصوص به او بود میگفت از من پرهیز مکن  
من همان اقا میر چند سال پیش هستم منتهی چندی  
است معبود و مقصود خود را که بدران ما برای درک -  
زمان اوزاریها کرده اند یافته ام . اغلب اوقات  
از قعر چاه با من مشغول مباحثه میشد . نزدیک به  
خاتمه حفر آخرین چاه بود که یکروز از ته چاه صدا  
زد شیخ جعفر نگاه کن به بین این اطراف کسی  
هست یا نه ؟ بدون اینکه از مقصد او مطلع شوم اطراف  
چاه را مشاهده نموده جواب دادم خیر .

انوقت گفت میدانی چه کن آن سنگهای بزرگی  
که من از ته چاه فرستادم بالا یکی را بردار و از آن بالا به  
سر من بزن . در نتیجه این عمل تو بنا به عقیده خودت -  
یکنفر کافر و مرتد را کشته ای و به بهشت میروی و من هم  
بنا به عقیده خودم در سبیل قائم موعود و یگانه منجسی

سال ششم

عالم انسانی که تمام ادیان سابقه منتظر ظهورش  
بوده اند شهادت داده ام . از آن بیان چنان منقلب  
شدم که همان شب به منزلش رفتم و ایمان و اقبسال  
خودم را به شریعت جمال اقدس ابهی اظهار نمودم .  
واقای محمد نوروزی ( ۱ ) کارگر دیگریم بعد از امر  
جمال اقدس ابهی مومن گردید .

اتای محمد نوروزی اظهار مینمود یک روز عده  
از اعدای وسکینقان در میان دشت در من اجتماع  
نمودند و دهان به سب و لعن گشوده بودند . مرحوم  
اقا میر پس از توقف از این بلوا خود را به انجم رسانیده  
زبان به نصیحت گشود و با اندام رشید و قوه بیان و برهان  
خویش چنان وقار و سکونی بخرج داد که همه  
شورشیان در وب و بیل و گنگ خود را برداشته رفتند  
مرحوم اقا میر قبیله از تبلیغ امر الله به عمل  
غفلت نمینمود . بتدریج مخالفین بمنظور از بین بردن  
ان شخص بزرگ بهترین وسیله که بدست آوردند  
این بود که انتشار دادند مرحوم اقا میر مخالف  
شریعت مقدسه اسلام است و عده از عوام را بدستاری  
حکومت و علمای محل بر او شورانیدند و انوقت که سال  
۱۳۲۱ هجری بود مخالفین موفق شدند که نامبرده  
را بدستاری میرزا مهدیخان پسر مرحوم امین الدوله  
کاشانی که در عهد ناصرالدین شاه بمقام وزارت رسید

---

( ۱ ) - فعلا احباب قریه وسکینقان منحصر  
خانواده اتای محمد نوروزی است .

و اورا وزیر همایون میگفتند و در زمان مظفرالدینشاه مقام و مرتبه اش بالا گرفته بود در خانه شیخ حسینعلی جاسبی که خانه اش محل زجر و ستم بندگان الهی و مومنین شریعت الله بوده جرم بهائیت و حمایت از مظلومین و مخالفت با ظالمین چوب زدند و از طرفی بوسیله تفنگداران راه دستار نشر را سد نمودند و از حمایت آنان ممانعت کردند . بعد ها آن مرحوم را از طریق کاشان و از حدودی که طرفدارانشند انند و نشا سندی به طهران بردند و معلوم نشد که چگونه آن نفس مقدس و بزرگوار را ازین بردند . معروف است که او را در حوض آبیخ در فصل زمستان در سن ۵۰ سالگی شهید کردند . ذیلا یکی از الواحی که از کک مطهر میثاق بافتخار آقا میرنازل گردیده درج میگردد .

جاسب جناب آقا میرعلیه بهاء الابهی

هو الابهی

ای آقا میرامیر کشور فک انیر شخص خطرست که الیوم حامی عهد پیمانست و حامی از میثاق حضرت رحمن شمع پرنور انجمن استقامت است و سرور خم آزاد بوستان موهبت . پسر از خدا بخواه که دران اطراف و اکناف باین خدمت عظمی موفق گردی و باین تاج امیری عالم معنوی مکلل شوی غریب گذشته است و این عید بتحریر بتعجیل مشغولست در خط معذور بدارید و البهائ علیک ع

۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴

۴۴۴۴۴۴۴۴

بقیه از صفحه ۲۴۶ . . . . . مؤذن مقدس

-----

تصریح شده مقدمه اعلان امرالله دران سامان است الخ ) هکذا میفرمایند "جمال قدم واسم اعظم

معین مظلومین و مظلومین و ناصر و حامی مومنین و - ثابتین است و آنچه عهد الهی است که ملا تحققی پذیرد و تنبیه بصراحت بیانات مبارکه در باره اتیه -

ایران می نگرید از قبیل آیات محکمت قد جعلک الله مطلع فرج العالمین " یا " عزت قدیمه بازگردد " یا

" مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواریست " زیراموطن جمال مبارک است " و " این تعدیات مقدمه

اعلان امرالله دران سامان است " یا " یقین بدانید چنان ترقی نماید که انظار جمیع اعظام و دانایان

عالم حیران بماند " و یا " آنچه از قلم اعلی جاری شده البته ظاهر خواهد شده " یا " و لایبقی من

حرف الی قدیراه المنصفون مستویا علی العرش الظهور " ملاحظه مینمایند که با وجود آیات محکمه

و بیانات مثبت و اشارات فوق بهائیانرا دیگر چه غی - انها ایمان قطعی دارند و یقین مبین میدانند

که هرکشمکش سیاسی و اقتصادی و هرگونه ماجرای حدود و ثغور که در عالم بوجود اید ایران عاقبت -

بعزت رسد خوشا بحال احبای ثابتین راسخین که بیانات صریحه مبارکه و اشارات و نوایای حتمی الوقوع

مزبوره ایشانرا امید وار و مطمئن کرد و قلوب و ضمیر اهل بهار استریح و مستبشر فرموده است . کین هنوز از نتایج سحر است

ابلاغ هیئت اداری مجله آهنگ بدیع

شرح مختصری از مدرسه زمستانه

المان ۲۶ دسامبر ۵۱ - ۲ ژانویه

۵۲ اقتباس از نامه یکی از جوانان

دانشجوی ایرانی

در اواخر دسامبر وابتدای ژانویه جوانان هفته ای - زمستانی داشتند که در یکی از کوههای جنوب غربی در سرحد فرانسه تشکیل گردید در حدود ۷۰ - ۷۵ نفر در آن شرکت داشتند که یازده نفر آنها ایرانی بودند . هدایت مباحثات و اصطلاح رهبری جنبه روحانی مدرسه با حضرت دکتر مولشلگل عزیز مخدلس بود . هر روز صبح محفلی بمدت دو ساعت تشکیل مییافت یکنفر راجع بموضعی معین نطقی مختصر ایراد میکرد و بعد بحث و سؤال و تحقیق مفصل درباره آن بعمل میآمد موضوع نطقها و مباحثات اقسام روح - قوانین روح - قوانین طبیعت و زندگی الهی بود بعد از ظهر مصروف کوهپیمائی و گردش و تفریح میگشت و شب نیز محفلی که یاد نباله جلسه صبح ویا بروی مطلبی مستقل بود تشکیل مییافت پروگرام دو شب - مستقلا بعمده جوانان ایرانی بود که مصروف تاریخ امر و بیان بعضی داستانهای قهرمانی شهسادی قرن اول گردید . این هفته بدعم جوانان بی نهایت خوش گذشت روحانیت و محبت بحد اعلی و اکثر برای جمع حکومت میکرد جوانان المان و ایران بحقیقت مانند دود لبر شیفته و فدائی یکدیگر بودند و در خدمت و قبول وظایف مختلفه یکدیگر سبقت میگرفتند از صبح تا سحر ( بقیه در صفحه ۲۵۰ )

۱ - هیئت اداری مجله آهنگ بدیع بمنظور اداره - کلیه امور مجله ( باشنای امور مربوط به هیئت تحریریه ) اخیرا از طرف لجنه جوانان بهائی طهران انتخاب - گردیده است و از عموم مشترکین محترم تمنی در رهسجری نظری در مورد امور اداری مجله و اشتراک خود دارند بادرس منشی هیئت اداری - طهران شرکت سهامی نونهالان - آقای امیر فرهنگ ایمانی مکاتبه فرمایند . ۲ - عموم مشترکین گرامی واقف و آگاهند که انتشار مرتب مجله فقط بر اثر وصول وجوه اشتراک میسر خواهد بود زیرا عندوق مجله عوائد دیگری ندارد و هلت تاخیر انتشار بقیه شماره های مجله نبودن وجوه جهت تهیه لوازم مربوطه است بنابراین از کلیه مشترکین محترم تمنی میشود بذل لطف فرموده در پرداخت وجوه اشتراک - خود ویدهی های گذشته از این بابت در ولایات به نمایندگان محترم مجله و در طهران بموزع مجله درجه زودتر اقدام عاجل مبذول فرمایند . ۳ - مقداری از دوره های سالهای گذشته مجله ادنگ بدیع بمنظور مساعدت بامشترکین محترم در تکمیل سری مجله و همچنین تقویت صندوق مجله تجلید و آماده گردیده است و مبلغ یکصد ریال در دسترس - علاقمندان گذارده میشود تمنی است طالبین محترم تقاضای خود را به هیئت اداری ارسال فرمایند تا اقدام لازم بعمل آید .

" هیئت اداری مجله آهنگ بدیع "

آهنگ بدیع و خوانندگان

۱ - چون عده ای از مشترکین این مجله تا بحال موفق با ایصال وجه اشتراك نگردیده اند و مجله در مضیقه مالی قرار داشت طبق دستور لجنه محترم **جوانان بهائی** طهران در شماره ۲ و ۳ در یک جلد منتشر گردیده .

امید است در ظل عنایات الهی و بمساعدت صوری و معنوی یاران روحانی موانع موجوده زائل و این نقص جبران گردد .

۲ - از این شماره نمایشنامه آلام متزاید و یک محفل روحانی متدرجا در این مجله منتشر میشود . این نمایشنامه بقلم توانای حضرت حرم روحیه خانم بزبان انگلیسی نگارش یافته و ایشان وضع اداره تشکیلات بهائی و طرق رفع نواقص اداری امری را بیهترین وجه بصورت نمایشنامه ای شیرین و دلنشین مرتوم فرموده اند . آهنگ بدیع مطالعه این اثر نفیس و ذی قیمت را - بعمم احبای الهی بخصوص اعضای محترم تشکیلات بهائی توصیه مینماید .

۳ - مقاله "علامت وحدت جناب ضیا" الله شمس که از جوانان فعال این مدینه میباشد ترجمه و از آلمان جهت این مجله ارسال فرموده اند . از لطف ایشان سپاسگذار و در انتظار وصول اثر دیگر ایشان میباشیم .

"هیات تحریریه آهنگ بدیع"

بقیه از صفحه ۲۴۹ شرح مختصری از مدرسه . . .

تا آخرین دقیقه شب پیوسته در ساعات فراغت بانگ سرور و نغمه و شور بلند بود المانها دسته جمعی ترانه های ملکوتی میخواندند و گروه ایرانیان نیز با اشعار مجلسی

ایرانی و شرقی بر رونق مجلسی افزودند این هشت روزیکسره روحانیت بود سراسر شادی و خنده و مسرت بود . عشق و محبت بود وحدت شرق و غرب و برادری و برابری - بود خیمه الفت و یگانگی بود خیمه ای که انامل قدرت

جمال قدم جل شانہ الاقدس الاعز الاعظم مرتفع فرموده و - جمیع اهل عالم را بد خول در ظل ان دعوت نموده است هر وقت سفره ای گسترده میشد و طعامی تناول میگشت هر کس بفکر دیگران بود می نوشت و می پائید که کسی بی بهره نماند یا کمتر از احتیاج دریافت نکند در این مواقع انسان دقایقی از عالم محبت و یکرنگی و برادری - حقیقی را مشاهده مینمود که گاه از تاثیر بگریه میافتاد شب هنگام خواب اگر کسی بتوکم داشت و اساس سرما میکرد دیگران در دادن بتویا و مسابنه میگذاشتند تا همه گرم و راحت و آسوده باشند . و در این شئون بخصوص -

مراعات جوانان ایرانی را بیشتر از دیگران مینمودند و محبت و لطف را بسرحد کمال میرساندند . چند جوان غیر بهائی در این مدرسه شرکت داشتند که جمیع تحت تاثیر این روحانیت و خلوص واقع شدند و انشاء الله هدایت خوا گشت از آن جمله دختری ۶ ساله از اهالی هایدلبرگ بود . وی بقدری مفتون و مجذوب جامعه بهائوسی گردید که پس از مراجعت قرار و آرام نداشت و نداشت .

همه جا صحبت از امر میکند و سعی در تبلیغ مینماید . خانواده وی در کنفرانس بیوم جهانی که از طرف احبای المان در آن شهرها در بیوم . ۲ ژانویه تشکیل گردید و در این جلسه نمایندگان تمام ادیان صحبت میکنند شرکت کردند .

+++++